



Future research approach to the validation (hypothesis test) of historical data from oral history interviews

Peymaneh Salehi

Author and researcher of oral history, Iran

Abstract: To emphasize the benefit of purposeful and subject-oriented oral history interviews, as a tool to validate the hypotheses resulting from the futurist research approach in history, in order to identify ambiguities and contradictions in present and future historiography. The necessity of using futures research techniques in compiling oral history data has been analyzed by referring to the written library resources and application and efficiency of the proposed process based on machine methods. Just as in future research, past trends are used to explore the relationship between concepts, so historiography responds to ambiguities related to events by generating new hypotheses. The use of machine methods and software techniques makes it possible, in addition to detecting communication, to generate possible responses and to validate them through topic-based interviews. Oral history research requires the use of these innovative technologies and changes the approach to conducting interviews from retrospective to futuristic. The more oral historians pay attention to clearing up the ambiguities and needs of tomorrow's historians, the closer the texts resulting from this research method become to truth.

Key Words: Oral History, Interview, History, Futurology, Validation.

رویکرد آینده‌پژوهانه در اعتبارسنجی (آزمون فرضیه) داده‌های تاریخی از روزن مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

پیمان‌ه صالحی

نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

چکیده

تأکید بر بهره‌مندی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هدفمند و موضوع‌محور به منظور ابزاری برای اعتبارسنجی فرضیه‌های حاصل از رویکرد آینده‌پژوهانه در علم تاریخ، به منظور تشخیص ابهام‌ها و تناقض‌ها در تاریخ‌نگاری حال و آینده. لزوم استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در تکوین داده‌های تاریخ شفاهی، با استناد به منابع کتابخانه‌ای تألیف شده و کاربرد و کارایی فرآیند پیشنهادی با تکیه بر روش‌های ماشینی تجزیه و تحلیل شده است. همان‌طور که در آینده‌پژوهی از روندهای گذشته به منظور کشف ارتباط میان مفاهیم استفاده می‌شود، در تاریخ‌نگاری نیز به ابهام‌های مرتبط با رویدادها از طریق تولید فرضیه‌های جدید پاسخ داده می‌شود. استفاده از روش‌های ماشینی و تکنیک‌های نرم‌افزاری، این امکان را فراهم می‌آورد که علاوه بر تشخیص ارتباطات، پاسخ‌های احتمالی، تولید و از طریق انجام مصاحبه‌های موضوع‌محور، اعتبارسنجی شوند. پژوهش‌های تاریخ شفاهی نیازمند به کارگیری این فناوری‌های نوآورانه است و موجب تغییر رویکرد انجام مصاحبه‌ها از گذشته‌نگاری به آینده‌نگاری می‌شود. هرچه پژوهشگران تاریخ شفاهی به رفع ابهام‌ها و نیاز مورخان فردا بیشتر توجه کنند، متون حاصل از این روش پژوهشی، به حقیقت نزدیک‌تر و متقن و مستند می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شفاهی، مصاحبه، تاریخ، آینده‌پژوهی، اعتبارسنجی.

مقدمه و طرح مسئله

(Nevins, 1996: 87).

نوشتار پیش رو ضمن بررسی رویکردهای آینده‌پژوهی در علم تاریخ و به‌طور خاص تاریخ شفاهی، مدلی را مطرح می‌کند که از طریق آن، فرآیندی مبتنی بر آینده‌پژوهی، برای تولید داده‌های متقن و مستند به کار گرفته می‌شود. تکمیل پروسه اعتبارسنجی^۲ (آزمون فرضیه)^۳ از طریق مصاحبه با اشخاص مطلع، زمینه‌ساز حذف ابهام‌ها و تناقض‌ها و تولید فرضیه‌های (پاسخ‌های احتمالی) نزدیک به حقیقت می‌شود.

نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخی به پرسش‌های زیر است:

- تاریخ شفاهی چه کاربردی در راستای اهداف علم تاریخ دارد؟
- آینده‌پژوهی در تاریخ به چه شکل ظهور و بروز می‌یابد؟
- تاریخ شفاهی در حال حاضر بر کدام یک از قابلیت‌ها متمرکز است؟
- رویکرد آینده‌پژوهانه تاریخ‌نگاری با تکیه بر منابع تاریخ شفاهی چه ویژگی‌های دارد؟
- فرآیند پیشنهادی به چه شکل ابهام‌های آینده را شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام می‌کند؟
- در سال‌های اخیر در حوزه آینده‌پژوهی در علم تاریخ و گرایش‌های آن و نیز رویکردهای پیش روی این حوزه، آثاری تألیف و ترجمه شده‌اند که شماری از آنها ذکر می‌شود:
- بورلی سائینگیت^۴ (۲۰۰۰ / ۱۳۷۹) در کتاب تاریخ چیست و چرا، ضمن اشاره به نمادهای باستانی و مدرن و پست مدرن در تاریخ، رویکردهای آینده‌پژوهی را در علم تاریخ با تمرکز بر تاریخ زنان و تاریخ شفاهی تجزیه و تحلیل کرده است.
- مرتضی نورایی (۲۰۰۲ / ۱۳۸۱) در مقاله «تاریخ و آینده اسناد»، این مسئله را بررسی کرده است که مورخ

تفاوت یک علم با علوم دیگر، در نوع کشفیات آنها است. هر مورخی می‌داند تاریخ نوعی تحقیق است و به آنچه علوم می‌نامیم تعلق دارد؛ یعنی به صورت‌هایی از اندیشه که به وسیله آنها پرسش‌هایی را مطرح و تلاش می‌کنیم به آنها پاسخ دهیم. تاریخ به کشف افعال آدمیان توجه می‌کند. گرچه این موضوع سرمنشأ مناقشات میان مورخان است، به هر شکل که به آن پاسخ داده شود، اعتبار آن نفی نمی‌شود. تاریخ با تفسیر مدارک پیش می‌رود و مورخ با تفکر درباره منابع و روایت‌ها، تحقیقاتش را مبتنی بر پرسش‌هایی شکل می‌دهد که در باب رویدادها طرح می‌کند.

تاریخ و تاریخ‌نگاری و جنس موضوعات آن از نوع اجتماعی است؛ در حالی که مصاحبه استخراج تجارب فردی است و هرچه باشد، تجربه‌های انفرادی است که مورخ شفاهی باید با سازوکارهای موجود، آن را به تجربه جمعی تبدیل کند تا بتواند در قالب تاریخ شفاهی از آن بهره جوید. به بیان دیگر، تجربه جمعی این قابلیت را دارد که پیوندی میان گذشته و آینده برقرار کند. محقق در این مسیر، پژوهش خود را به تجربه جمعی، نزدیک و آن را تفسیر و تدوین می‌کند (نورایی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴: ۸۴).

دانش آینده‌پژوهی^۱ با مطرح کردن سؤالاتی همچون ما کجا هستیم، چگونه به اینجا رسیده‌ایم و به کجا می‌رویم، به دنبال اندیشه‌شناسی و تدوین ایدئولوژی‌های آینده است. آینده‌پژوهی در دوران معاصر ذهن پژوهشگران را به خود معطوف ساخته است. مورخان نیز با توجه به ماهیت و ظرفیت علم تاریخ، این موضوع را در اولویت مطالعاتشان قرار داده‌اند. علم تاریخ نقش مهمی در مطالعات آینده‌پژوهی دارد. تاریخ‌نگاری با هدف ثبت تاریخ اجتماعی ملل، بیش از سایر علوم به طراحی جوامع آینده یاری می‌رساند. مورخان باید بین گذشته و حال و آینده پیوند برقرار کنند و در زمان حال، با آینده گفت‌وگو کنند

² Validation³ Hypothesis test⁴ Beverly Southgate¹ Futurology

شفاهی دست‌یافتنی قلمداد می‌کند.

- جنیفر ام گیدلی^۵ (۲۰۱۷/۱۳۹۶) در کتاب *آینده*: یک معرفی بسیار کوتاه، ضمن تأکید بر بهره‌مندی از قابلیت‌های آینده‌پژوهی در علوم مختلف، افق‌های پیش‌روی آن را در علم تاریخ مرور کرده است.

- علیرضا افضلی (۱۳۹۸) در کتاب *درآمدی بر تعامل تاریخ و آینده‌پژوهی*، با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی به این نکته توجه کرده است که علم تاریخ، به‌ویژه نحله‌های جدید آن همچون تاریخ شفاهی، محمل مناسبی برای تعامل با آینده‌پژوهی به شمار می‌روند.

- نیره دلیر (۱۳۹۹) در مقاله «آینده‌پژوهی بیماری‌های همه‌گیر» نحوه برخورد علوم طبیعی و علوم انسانی با تاریخ اکنون را تحلیل کرده و نسبت علم تاریخ را با آینده‌پژوهی، در این بیماری‌ها شرح داده است.

- نیره دلیر (۱۴۰۰) در کارگاه آموزشی «آینده‌پژوهی و تاریخ»، مفاهیمی همچون تاریخ اکنون و تاریخ نزدیک و نیز نسبت آینده‌پژوهی و تاریخ‌مندی را نقد و تحلیل کرده است.

گفتنی است پژوهش در زمینه اعتبارسنجی داده‌های تاریخی با تکیه بر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهانه و ارائه الگویی کاربردی در راستای محقق کردن آن، موجب برقراری ارتباطی پویا میان حال و آینده می‌شود. توجه به قابلیت‌های فرآیند پیشنهادی، پنجره‌های جدیدی را پیش‌روی تاریخ شفاهی‌نگاران می‌گشاید و یاریگر آنان در رفع نواقص احتمالی در متقن‌سازی داده‌های حاصل از این روش پژوهشی خواهد بود.

تکوین تاریخ شفاهی در راستای اهداف علم تاریخ

فلسفه تاریخ از دیدگاه ولتر^۶ چیزی بیش از تاریخ انتقادی و علمی نیست؛ یعنی «نوعی تفکر تاریخی که در آن، مورخ به جای تکرار داستان‌هایی که در کتاب‌های قدیمی می‌یافت، اندیشه‌اش را درباره رویدادها به‌کار

امروز باید به مورخ فردا کمک کند و در ایجاد متون شفاف و دقیق، با نگاهی به چشم‌اندازهای آینده بکوشد.

- مایکل استفورد^۱ (۲۰۰۵/۱۳۸۴) در کتاب *درآمدی بر تاریخ‌پژوهی*، علم تاریخ را مطالعه زنجیره حوادث می‌داند که با تفکر عمیق در باب آن، سیر حوادث آینده مشخص می‌شود.

- گری جی همیلتون و کولینز ژندال^۲ (۲۰۰۶/۱۳۸۵) در کتاب *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخ*، علاوه بر ذکر ویژگی پژوهش‌های تاریخ اجتماعی در ارتباط با جامعه‌شناسی، رویکردهای نوین آینده‌پژوهی را با ذکر مطالعات موردی در این حوزه تحلیل کرده‌اند.

- رابین جرج کالینگوود^۳ (۲۰۱۰/۱۳۸۹) در کتاب *مفهوم کلی تاریخ*، نگاه ساختارگرایانه به تاریخ را مبتنی بر تاریخ اکنون و تأثیر آن بر تاریخ آینده، در راستای گذار از تاریخ سنتی به تاریخ کارکردگرایانه بررسی کرده است.

- رضا مقیسه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه تاریخ: رویکردی مناسب برای آینده‌پژوهی»، ضمن بررسی قابلیت‌های علم تاریخ در تحلیل رویدادها، رویکرد فلسفی تاریخ را جامع‌ترین نوع نگاه به آینده می‌داند.

- مرتضی نورایی (۱۳۹۲) در سخنرانی با عنوان «تاریخ‌نگاری جایگزین»، ضمن تشریح تغییر رویکرد از تاریخ‌نگاری سنتی به سمت تاریخ جایگزین، انواع زمان‌ها را در این نحله تاریخی مطرح می‌کند که زمان‌های آینده در حال و آینده در گذشته، آینده‌پژوهی را در علم تاریخ نمایان می‌سازد.

- سعید خزائی و امیر محمودزاده (۱۳۹۲) در کتاب *آینده‌پژوهی*، ضمن ارائه روش‌های تحلیل آینده در علوم مختلف، بر این نکته تأکید دارند که علم تاریخ بخش زیادی از بار مطالعات آینده را بر دوش می‌کشد.

- مهدی احمدی بختیار (۱۳۹۳) در مقاله «آینده‌پژوهی در تاریخ»، روش‌های آینده‌نگری را در علم تاریخ، بررسی و توجه به این مقوله را با گسترش تاریخ

¹ Michael Stanford

² Gary J. Hamilton & Collins Gandal

³ Robin George Collingwood

⁴ Alternate History

⁵ Jennifer M. Gidley

⁶ Voltaire (1694- 1778)

این پرسش‌ها مورخان را بر آن داشت تا ارزش اجتماعی تاریخ حرفه‌ای را مدنظر قرار دهند. علم تاریخ و نحله‌هایی همچون تاریخ شفاهی، وظیفه اجتماعی مهمی بر عهده دارند. تاریخ‌نگاران باید هویت گروه‌های اجتماعی، نهادها و ملت‌ها را تثبیت کنند. تاریخ با مطالعه چگونگی رفتار آنها در گذشته، خصلت برخی از آنها را توصیف می‌کند. بدین‌شکل تاریخ توجه ما را به ویژگی‌هایی جلب می‌کند که به گروه‌ها یا نهادهای خاص تعلق دارد و افراد از طریق تأیید یا خصومت، به آنها واکنش نشان می‌دهند (مکالا، ۱۳۸۷: ۲۰).

مسئولیت مورخان تاریخ شفاهی این است که مطمئن شوند روایت‌هایی که به دست می‌دهند، به اندازه ممکن مستندسازی شده و درست است. علاوه‌بر آن، باید گزارش‌های درستی از روندهای شناسایی شده کنونی به دست آورند. تاریخ باید معتبر، فهم‌پذیر و بی‌طرف باشد. مورخان باید اطمینان حاصل کنند که توصیف آنان از گذشته به‌خوبی به‌واسطه شواهد تأیید می‌شود؛ به گونه‌ای که آن توصیف‌ها کاملاً معتبر باشند (Ryan, 1965: 223). ما پیوسته شاهد اضمحلال جریان‌ها و روندهایی هستیم که نسل آینده از آن بی‌خبر خواهد ماند؛ بنابراین، محور اساسی پژوهش‌های تاریخ شفاهی‌نگاران بر وضعیت‌هایی متمرکز است که هیچ‌گاه در اسناد اقبال تبدیل به کلمه را پیدا نمی‌کنند (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

تاریخ شفاهی به تعداد روایان تکثیر می‌شود و نیز به تعداد نقدهای خوانندگان به دلیل تاریخ‌نگاری حال، نزدیکی به وقایع و داشتن حافظه جمعی، در جامعه ادامه می‌یابد (کاموس، ۱۳۸۷: ۲۷). تاریخ شفاهی در بنیان خویش یک گفت‌وگو است؛ اما گفت‌وگویی است که در یک فضای مشترک گفت‌مانی شکل گرفته است. همچنین، مدارک متکثری را پیش روی مورخان قرار می‌دهد و آنان را در شناخت ابعاد مختلف کنش انسان‌ها و وجوه ساختاری که این کنش‌ها در آن شکل گرفته است، یاری می‌دهد. داده‌های تاریخی زمانی به شناخت ماهیت علم تاریخ کمک می‌کنند که به مورخ در پاسخگویی به پرسش‌هایش یاری رسانند (Shopes, 2007).

می‌بست» (همیلتون؛ ژندال، ۱۳۸۵: ۱۰۱). مورخان همچون هگل^۱، اواخر قرن هجدهم از همین نام استفاده کردند؛ اما آنان معنایی متفاوت به آن بخشیدند و آن را صرفاً تاریخ جهان تلقی کردند. علاوه‌بر این، کاربرد سومی از این عبارت نزد اثبات‌گرایان قرن نوزدهم یافت می‌شود. فلسفه تاریخ از دید آنان کشف قوانین کلی حاکم بر جریان رویدادهایی بود که تاریخ، حکایت آنها را بر عهده داشت (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۷).

تاریخ، حقایقی را نمایان می‌کند که سایر علوم قادر به آشکارسازی آن نیستند. بررسی زندگی مردم نه تنها فراز و نشیب‌های تجربه انسانی، تغییرناپذیری وضعیت انسانی را نیز شامل می‌شود. بکر گوید: «بشر، در همه زمان‌ها و مکان‌ها، به قدری یکسان است که تاریخ در این مورد ما را از چیزی نو یا عجیب و غریب آگاه نمی‌کند. فایده اصلی تاریخ صرفاً این است که اصول ثابت و کلی طبیعت انسانی را کشف کند» (Becker, 1932: 95). هنگامی که مورخان علل رویدادهای گذشته را بیان می‌کنند یا الگوهای مهمی در آن رویدادها می‌بینند، گزارشی که ارائه می‌دهند بازتاب پیش‌پنداشت‌ها و علایق آنان است. در این صورت، تفسیرها و تبیین‌های تاریخی، بازنمایی درستی از گذشته نیستند؛ بلکه سازه‌هایی هستند که فرهنگ مورخ را بازمی‌تابانند (Adams, 1999: 128).

مدرسان علم تاریخ از آن رو این درس را ارزشمند می‌دانند که امکانی برای آموزش تفکر انتقادی فراهم می‌آورد. آنها تفسیر انتقادی شواهد و ارزیابی تفسیرها و تبیین‌ها را آموزش می‌دهند (Held, 1980: 100). همچنین، پرسش‌هایی را در این زمینه مطرح می‌کنند: چرا تاریخ باید عقلانی باشد؟ چرا در مواردی که شواهدی نداریم، به تاریخ شاخ و برگ ندهیم، شاید درست باشند؟ چرا به‌منظور تبلیغ، داستان را ساده و جنبه‌هایی از آن را برجسته نکنیم تا پیام آن روشن‌تر شود؟ چه لزومی دارد مورخان پافشاری کنند که تاریخ حرفه‌ای باید از نظر عقلانی قابلیت دفاع را داشته باشد (Collingwood, 1946: 80).

¹ Wilhelm Friedrich Hegel (1770- 1831)

کرده‌اند. تاریخ کلان از طریق تعیین ساختارهای تاریخ، علل و سازوکارهای تغییر تاریخی، تحقیق درباره آنچه تغییر می‌کند و آنچه دارای ثبات و پایداری است، ساختاری را ارائه می‌کند که با استفاده از آن به پیش‌نگری و کسب بصیرت درباره آینده اقدام می‌شود. از منظر آینده‌پژوهی، سهم تاریخ کلان در مطالعه جامعه در طول زمان کاربرد بالایی دارد. شاید بتوان ادعا کرد علم تاریخ، به‌ویژه حوزه فلسفه نظری آن، محمل مناسبی برای تعریف دانش آینده‌پژوهی مبتنی بر آن است (افضلی، ۱۳۹۸: ۷۸-۷۹).

اندیشیدن پیش از هر عمل، راهی به سوی آینده دارد. گرچه هیچ‌گاه آگاهی کامل نسبت به آینده حاصل نمی‌شود، تلاش برای شناخت آن - چه در زمینه تفکر چه در حوزه عمل - حیطة تأثیر بر آینده را ترسیم می‌کند. زمان حال، نه تنها گسسته از گذشته نیست، به آینده وصل است؛ زیرا نه عمل و نه تفکر، سیر گسسته از هم ندارند و همواره در زمان‌های مختلف در نوسان‌اند. آینده‌پژوهی در تاریخ به شکل ثبت صحیح وقایع و جریان‌های امروز برای پژوهشگران فردا تجلی می‌یابد. مسئولیت مورخان در بازسازی رویدادها به‌منظور جلوگیری از فراموشی آنها دستمایه مورخان در آینده خواهد بود (نورایی، ۱۳۸۱: ۲۲).

تاریخ‌نگاران در دوران معاصر با تولید انبوه اسناد روبه‌رو هستند که جای تاریخ‌نگاری در قالب ثبت و ضبط وقایع را پر کرده است. امروزه مورخان نیاز چندانی به ثبت وقایع ندارند؛ چون از هر سو منابع متعددی شکل می‌گیرد. انتظار می‌رود مورخان در آینده خارج از وقایع رسمی گام بردارند و وقایع مرتبط با حیات روزمره مردم را ثبت کنند. تاریخ شفاهی به دلیل توجه به چرایی و چگونگی وقایع، در تحقیقات آینده جایگاه ویژه‌ای دارد. مورخ امروز دغدغه‌هایی را که برایشان پاسخی پیدا نمی‌کند، به مورخ فردا انتقال می‌دهد؛ یعنی ابهام‌ها و پیشنهاداتش را درج می‌کند. به بیان مرتضی نورایی، «اسناد یا متون تاریخی زمانی صفت «خوب» یا «مناسب» را دریافت می‌کنند که دارای سه ویژگی باشند: دربردارنده واقعیت و حقیقت باشند، حقایق را به‌خوبی به خوانندگان در زمان‌های مختلف انتقال دهند و پیام خود را به آیندگان منتقل کنند»

تاریخ شفاهی می‌کوشد لایه‌های پنهان جوامع را به موازات اهداف علم تاریخ، از زبان چهره‌های درگیر در معادلات خرد و کلان به رشته تحریر درآورد. علاوه بر این، قادر است به روند پوینده پیشگیری از بروز شکاف‌ها در تاریخ نزدیک به اکنون شتاب بخشد. تاریخ شفاهی عملاً مردم را وارد گردونه تاریخی می‌کند که تا سده‌ها از تپش گام‌های آنان تهی بود (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳۲). تاریخ شفاهی درصدد است تا وقایع و تحولات گذشته را از زبان قهرمانان، حادثه‌آفرینان و ناظران رویدادها بازسازی کند و از تلفیق خاطرات، تحلیل‌ها، نگرش‌ها و قضاوت شخصیت‌ها رویکردی جدید، جذاب و جالب ارائه دهد (ملایی‌توانی، ۱۳۷۸: ۲۸۰).

آینده‌پژوهی در علم تاریخ

اگر بخواهیم به دنبال ریشه‌های آینده‌پژوهی در علم تاریخ، در آثار مورخان متأخر بگردیم، درمی‌یابیم که تأکید آنان در آثارشان، لزوم استفاده از علم تاریخ در پیش‌بینی و حتی پیشگویی آینده بود. مورخان بر این باور بودند که آگاهی از تاریخ، قدرت شناسایی آینده را در انسان تقویت می‌کند. تاریخ‌نگاران قدیمی مهم‌ترین فایده تاریخ را عبرت از گذشته می‌دانستند. از نظر آنان، عبرت به معنای شناخت گذشته برای ساختن آینده بود.

محمد بن جریر طبری تبیین تاریخ را راهی برای روشنگری و آگاهی خوانندگان در آینده می‌داند (طبری، ۱۳۸۲: ۸۵). ابن‌اثیر به اندیشه واداشتن مردم را هدف تاریخ‌نگاری می‌داند. همچنین، در آثارش به نمونه‌هایی از محقق‌شدن پیشگویی‌ها اشاره دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که مطالعه تاریخ موجب احتراز از تحقق آینده‌های نامطلوب می‌شود و آینده مرجح را رقم می‌زند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶: ۲۲۰). ابن‌فندق معتقد است مردم با عبرت‌آموزی از تاریخ، از سختی‌ها و پیشامدهای بد رهاشده می‌شوند (بیهقی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

آینده‌پژوهی در مفهوم امروزی آن، بدون بهره‌گیری از تاریخ کلان فاقد قدرت لازم است. مورخان کلان‌نگر و تاریخ کلان آنها، مطالب زیادی به حوزه آینده‌پژوهی ارائه

(نورایی، ۱۳۸۱: ۳۱).

- تعیین فرضیات و اهداف کلی سناریوسازی و تشریح آنها؛
- جمع عوامل مهم در شکل‌گیری سناریوها برای ایجاد یک شبکه پویا؛
- نوشتن سناریوها مطابق با برنامه‌ریزی‌های بهینه‌شده؛
- تعیین تعدادی مینی سناریو؛
- کاهش تعداد سناریوها به دو تا سه عدد (لومیس، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۹).

تاریخ شفاهی: رویکرد کنونی

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در زمان‌های مختلف بازتعریف می‌شوند. تاریخ شفاهی این فرصت را فراهم می‌آورد تا مردم داستان‌های زندگی خود را به خاطر بیاورند، مرور کنند، ترجمه کنند، بیان و پردازش کنند. هسته اصلی تاریخ شفاهی بین ذهنی است و تبادل دانش نیز براساس تجربیات مصاحبه‌شوندگان شکل می‌گیرد. تاریخ شفاهی گفت‌وگویی خلاقانه است و به همین دلیل، در دنیای فناوری در حال تغییر، رشد می‌کند و تاریخ مصرف ندارد (*Transformative Oral History*, 2018).

امروزه دیدگاه تاریخ شفاهی نگاران بر این موضوع استوار است که از سطح تاریخ شفاهی نقلی به تاریخ‌نگاری علمی گذر کنند و به مرحله بالاتری گام بردارند. آنان می‌خواهند از تولید داده‌های صرف شفاهی به تولید متن‌های تاریخ‌نگارانه و مبتکرانه سوق یابند. زمانی که تنها با یک راوی سروکار داریم، محتوای خبر چیزی جز روایت‌های واحد و مبتنی بر تجربه شخصی نخواهد بود؛ اما وقتی با چند نفر حول موضوعی خاص مصاحبه داشته باشیم، مجموعه‌ای از مشاهدات شاهدان را به صورت هم‌زمان در مرکز توجه قرار می‌دهیم و هیچ فردی محوریت خاصی پیدا نمی‌کند (حضرتی، ۱۳۹۰: ۸۷).

بنابراین، به روش تلفیق هم‌زمان چند روایت یا خبر درباره موضوعی خاص، «تاریخ شفاهی ترکیبی» می‌گوییم. در این حالت روایت‌ها یکدیگر را تکمیل می‌کنند و روایت

روش‌های آینده‌پژوهی توصیف تمام، درست و کاملی از آینده ارائه نمی‌دهند؛ ولی می‌کوشند نشان دهند چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد و کدام راهبردها در شناسایی آنها مؤثر و کارآمدند. از میان روش‌های آینده‌پژوهی که کاربردشان بر مورخان محرز شده است و در پژوهش‌های آینده‌پژوهی در این حوزه استفاده می‌شود، روش‌های تحلیل روند و سناریوسازی درج می‌شود:

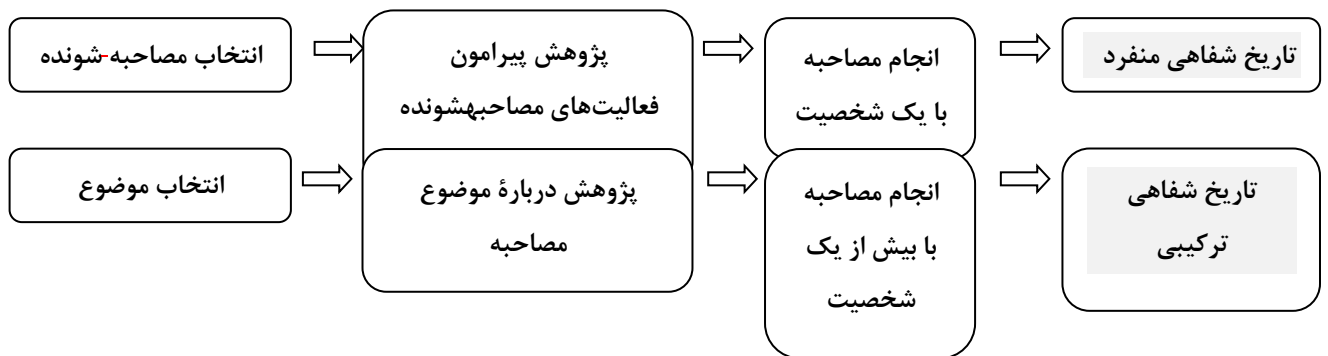
- **تحلیل روند:** عبارت است از مطالعه یک روند مشخص، به منظور کشف چستی بروز آن. تحلیل روند باید بسیار دقیق باشد؛ زیرا تأثیر متفاوتی بر ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها می‌گذارد که البته شاید در نگاه اول قابلیت کشف نداشته باشد. ابتدا باید روندهایی که در یک جامعه اهمیتی ویژه دارند، به دقت پایش شوند. اگر اطلاعات آماری در این زمینه موجود نباشد، تغییر روندها به صورت نموداری ترسیم می‌شود. مورخانی که در حوزه آینده‌پژوهی تحقیق می‌کنند، با ادامه نمودار یعنی برون‌یابی آن، می‌کوشند رخدادهای آینده را بر پایه میزان تغییرات کنونی پیش‌بینی کنند. باید به این نکته توجه داشت که ثبات میزان تغییرات، بر دقت پیش‌بینی‌ها تأثیرگذار است (خزائی؛ محمودزاده، ۱۳۹۲: ۴۵).

- **سناریوسازی:** سناریوها رویدادهای ممکن آینده را بر پایه آنچه می‌دانیم یا آنچه تصور می‌کنیم، بازنمایی می‌کنند. سناریوها کمک می‌کنند تا بفهمیم نتایج و پیامدهای احتمالی تصمیمی که اتخاذ می‌کنیم، چه خواهد بود. مورخان آینده‌پژوه برای توصیف رخدادهای احتمالی در آینده از شیوه سناریوسازی استفاده می‌کنند. به دلیل اینکه آینده‌پژوهی مملو از عدم قطعیت است، سناریوها کاربرد ویژه‌ای دارند. معمولاً چندین سناریو توسعه می‌یابند؛ به گونه‌ای که تاریخ‌نگاران متوجه باشند ممکن است برخی رویدادهای آینده، سناریوی بسیار محتملی را از اعتبار ساقط کند که مبنای برنامه‌ریزی آنها بوده است. توجه به نکات زیر که برگرفته از تجربیات آینده‌پژوهان در سناریوسازی برای علم تاریخ است، مفید خواهد بود:

جامع‌تری پدید می‌آید (شکل ۱). بدین‌سان تاریخ‌نگار شفاهی با حضور مؤثر در متن، میان رخدادها روابط علی و معلولی برقرار می‌سازد و روایت‌های مختلف را چنان به هم پیوند می‌زند که گویی در یکدیگر تنیده شده‌اند. تاریخ شفاهی نگاران خلأها را با تحلیل‌ها، تفسیرها و تبیین‌های خود پُر می‌کنند تا مجموعه‌ای منسجم، منطقی و فهم‌پذیر پدید آید و نقاط تاریک تاریخ روشن شود. این فرآیند «تاریخ‌نگاری شفاهی» اطلاق می‌شود؛ زیرا یک متن تاریخ‌نگارانه با همان ظرفیت و منطق تاریخ‌نگاری علمی ایجاد شده است (التون، ۱۳۸۶: ۶۱).

با وجود اینکه مصاحبه‌های هدفمند با صاحبان خبر بخش مهمی از مشکلات تاریخ‌نگاری شفاهی را - به‌ویژه

در تولید داده‌ها - رفع می‌کند، بی‌تردید کار مهم‌تر مورخ پس از گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود؛ زیرا در تاریخ شفاهی به تعداد مصاحبه‌شوندگان دیدگاه وجود دارد که ممکن است مانع از درک همه حقیقت شود (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). مورخان بر این نکته تأکید دارند که کار اصلی مورخ شفاهی پس از گردآوری داده‌ها، عبارت است از گزینش داده‌ها، سنجش اعتبار، ارزیابی و نیز تصفیه و جرح و تعدیل آنها. بدین‌شکل داده‌ها به مدد قوای ذهنی و قوه شناخت مورخ فهمیده می‌شوند و براساس نیروی ذوق او در جایگاهی مناسب قرار می‌گیرند (ملایی‌توانی، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۳۱).



شکل ۱: تاریخ شفاهی: رویکرد کنونی

تاریخ شفاهی: رویکرد مبتنی بر آینده‌پژوهی

به‌کارگیری اصطلاح تاریخ آینده^۱ از سوی تاریخ شفاهی نگاران، نشان‌دهنده توانایی‌های این روش پژوهشی در نگاه به آینده است. مورخان جامعه را با گذشته و نیز با آینده گره می‌زنند. تاریخ شفاهی علاوه‌بر بلندنگری، بر کلیت و تمامیتی از شرایط جوامع در زمان‌های متفاوت مبتنی است و هدف از پژوهش در این حوزه، ساختن آینده جوامع است. این مورخان با واکاوی آرمان‌ها و بینش‌های حاکم بر جامعه، الگویی برای آینده پیشنهاد می‌کنند (گلن، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

تاریخ شفاهی، لازم است به دو نکته توجه شود: نخست اینکه چه زمانی تاریخ‌نگاری با استناد بر منابع تاریخ شفاهی ضرورت می‌یابد؟ دوم اینکه در این زمینه با کدام‌یک از ابهام‌های اساسی روبه‌رو هستیم؟

درباره نخستین نکته، یعنی زمان ضرورت تاریخ‌نگاری از روزن منابع تاریخ شفاهی، باید به دلایل اهمیت این حوزه از تاریخ‌نگاری اشاره شود: یکی به‌منظور راهی برای دستیابی به داده‌های تاریخی (منابع) و دوم، روشی برای تولید فرآورده‌های تاریخی (متون). پژوهشگر تاریخ شفاهی به‌منظور پرکردن خلأها و روشن‌شدن برخی از نقاط کور تحولات معاصر، با بازیگران و آگاهان رخداد مزبور مصاحبه می‌کند و پرسش‌های خود را با آنان در میان می‌نهد و از پاسخ‌های آنها در تحقیقات خود بهره می‌جوید.

به‌منظور تشریح فرآیند پیشنهادی اعتبارسنجی/آزمون فرضیه داده‌های تاریخی از روزن مصاحبه‌های تاریخ

^۱ Future History

فرآیند پیشنهادی، برخی از اصطلاحات تعریف شوند:

۱. رویداد: موضوع منتخب به منظور تاریخ‌نگاری که گذشت زمان، نیاز ما را برای آگاهی از آن بیشتر می‌کند.
۲. الگو/قالب: به رویکرد جمع‌آوری اطلاعات به صورت دوره‌ای اطلاق می‌شود.
۳. گذر زمان: در اینجا به عامل امتزاج یا افتراق حقیقت از ابهام گفته می‌شود.
۴. فرضیه: پاسخ‌های احتمالی به یک ابهام در گذشته و حال که هنوز حقیقت آن کشف نشده است.
۵. آزمون فرضیه/اعتبارسنجی: روشی که درستی یا نادرستی یک فرضیه را با اصول علمی اثبات می‌کند.
۶. تاریخ شفاهی: ابزاری به منظور اجرای آزمون فرضیه‌های حاصل از تشخیص ابهام‌ها و تولید فرضیه‌های جدید.

فرآیند اعتبارسنجی داده‌های تاریخی از روزن صاحب‌های تاریخ شفاهی مبتنی بر آینده‌پژوهی، در قالب یک سیستم نظام‌مند، سه جزء ورودی‌ها، گام‌های اجرایی و خروجی‌ها را شامل می‌شود (شکل ۲). در این فرآیند، گام‌های اجرایی ورودی‌ها را به خروجی تبدیل می‌کنند. بنابر آنچه در فرآیند پیشنهادی به آن اشاره شد، نقش مصاحبه تاریخ شفاهی اجرای آزمون فرضیه یا به عبارتی اعتبارسنجی است. به عبارت دیگر، پس از بررسی ابهام‌ها و پاسخ‌های احتمالی، رفع ابهام و اعتباربخشی به فرضیه‌ها با انجام مصاحبه‌های هدفمند محقق می‌شود. اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی با این رویکرد، به صورت تدریجی و گام‌به‌گام به کشف روابط، تولید فرضیه‌های مناسب‌تر و حذف ابهام‌ها و تناقض‌ها منجر خواهد شد.

هدف از انجام مصاحبه، گردآوری داده‌های از پیش مشخص شده نیست؛ بلکه گردآوری اطلاعاتی است که به بازسازی برخی از رخدادها و حلقه‌های مفقوده در آنها کمک می‌کند (ملایی‌توانی، ۱۳۸۷: ۴۵).

زمانی که رویدادی در رابطه علی و معلولی شکل می‌گیرد و نتایج اولیه وقوع آن ظاهر می‌شود، نطفه رویداد بعدی بسته می‌شود. گذر زمان موجب ایجاد ابهام‌هایی در خصوص رویدادهای پدیدآمده می‌شود. بر حسب اهمیت رخداد، زمینه شکل‌گیری آن و تأثیری که احتمالاً در آینده بر رخدادها مشابه یا در امتداد آنها دارد، پژوهش و مستندسازی از طریق تاریخ شفاهی ضرورت می‌یابد (گیدلی، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۳). داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی پس از تدوین و تکمیل، به متون تاریخی متقنی تبدیل می‌شوند. برای تاریخ‌نگاری در این حوزه با نگاه به آینده، تأمل در باب موارد زیر مفید خواهد بود:

- زمینه‌های ایجاد ابهام؛
- ضرورت رفع ابهام؛
- تهیه پرسش‌هایی مبتنی بر ابهام‌زدایی؛
- انجام مصاحبه و طرح سؤالات؛
- تدوین و تکمیل داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی؛
- آماده‌سازی متون متقن و مستند (استنفورد، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

بنابراین، مسائل درباره رویدادهای ناشناخته، پژوهشگر تاریخ شفاهی را مصمم می‌سازد تا در جهت رفع و رجوع آنها تلاش کند. در بیشتر پژوهش‌های تاریخ شفاهی، برخی ابهام‌های اساسی وجود دارد که یافتن پاسخی برای آنها موجب گشایش راه‌های جدید به منظور برطرف کردن نواقص طرح موضوعی خاص می‌شود. لازم است به منظور تشریح



شکل ۲: فرآیند اعتبارسنجی داده‌های تاریخی براساس مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

مشخص شده، به صورت مستمر نتایج را بهبود می‌بخشند.

این چرخه بر مبنای چهار مرحله زیر شکل گرفته است:

۱. طرح‌ریزی: به معنای برنامه کاهش تناقض یا ابهام است و تمهیدات و دستورالعمل‌هایی را مشخص می‌کند که اقدام براساس آنها تناقض یا ابهام را کاهش می‌دهد.

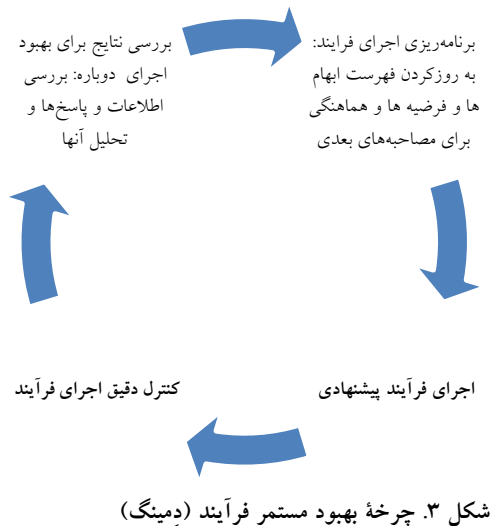
۲. اجرا: به انجام اقدامات براساس طرح‌ریزی انجام شده، اجرا گفته می‌شود. اجرا باید به گونه‌ای باشد که سوابق اقدامات برای بررسی و ردیابی بعدی، نگهداری و آرشیو شود. این مرحله با کمک پژوهشگران و با استفاده از

چرخه بهبود مستمر فرآیند

بنابر آنچه در فرآیند پیشنهادی ارائه شد، لازم است این پروسه بارها و بارها تکرار شود تا فهرست ابهام‌ها کمتر و کمتر و فرضیه‌های تولیدشده به حقیقت نزدیک‌تر شوند. بدین منظور از چرخه دیمینگ (PDCA^۱) در جایگاه ابزاری دقیق برای دستیابی به بهبود مستمر در فرآیندها استفاده می‌شود (شکل ۳)؛ بنابراین، فعالیت‌ها در راستای اهداف

^۱ دیمینگ (PDCA) از حروف آغازین کلمات Plan, Do, Check, Act تشکیل شده است. دیمینگ، ابزاری متداول برای دستیابی

به بهبود مستمر در فرآیندها، که بر پایه مفاهیم برنامه، عمل، تحقیق و اجرا شکل گرفته است.



نتیجه

تاریخ شفاهی ابزاری برای مستندکردن واقعیاتی است که در جامعه در گذر زمان رخ داده است. مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بصیرتی فراهم می‌آورد تا نشان دهد مردم چگونه نظرات خود را درباره تاریخ سازماندهی می‌کنند و چطور مآخذ و اطلاعات جوامع بر احساس آنان درباره رخدادهایی که در مصاحبه از آنها بحث می‌شود، تأثیرگذار است؛ بنابراین، مستندسازی گذشته، آنچنان که از علم تاریخ انتظار می‌رود، به مستندات تاریخ شفاهی اعتبار می‌بخشد. همچنین، هر آنچه امروز اتفاق می‌افتد، اساس تاریخ آینده را می‌سازد؛ در واقع ردیابی رویدادها در آینده، بر عهده مورخان است.

آینده‌پژوهی در تاریخ شفاهی با تشخیص ابهام‌ها و بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی به منظور تولید فرضیه‌های جدید، رهیافتی نوین به سوی تولید متون متقن و مستند دارد. رویدادهای گذشته و حال از طریق این رویکرد پیشنهادی و با استفاده از این فرآیند کارآمد، به یک طرح تاریخ‌نگاری تبدیل می‌شود تا تمام اطلاعات درباره آن، به صورت ماشینی و به طور مکرر، استخراج و توسط تاریخ شفاهی نگاران به مرور زمان ابهام‌زدایی شوند. در انتها، فهرست ابهام‌های روشن‌نشده به مورخان فردا منتقل می‌شود.

بنابراین، با توجه به مطالب ارائه‌شده در باب رویکرد

روش‌های ماشینی^۱ (متن‌کاوی و یادگیری ماشینی) انجام می‌شود.

۳. کنترل: منظور از کنترل، اطمینان از دو موضوع زیر است:

۳،۱. فعالیت‌های انجام‌شده دقیقاً براساس رویه‌ها و دستورالعمل‌ها و توسط افراد ذیصلاح انجام شده باشند.

۳،۲. برطرف‌شدن ابهام یا تناقض موجود بررسی شود.

۴. پیشگیری: به معنای اصلاح برنامه‌های اجراشده یا تدارک روش‌هایی است که کیفیت لازم را برای برطرف شدن ابهام یا تناقض در ورودی‌ها و مرحله اجرا بهبود بخشد.

استفاده از چرخه دِمینگ^۲ و نیز انجام آزمون فرضیه مبتنی بر مصاحبه تاریخ شفاهی موجبات تضمین بهبود مستمر را در فرآیند پیشنهادی فراهم می‌آورد؛ در واقع موجب می‌شود فاصله فرضیه‌ها از حقیقت به تدریج کمتر شود. گفتنی است فرآیند تشریح‌شده، تشابهاتی با رویکرد ایجاد و ویرایش مستندات در ویکی‌پدیا دارد؛ بدین معنا که علاوه بر بهره‌مندی از دانش صاحب‌نظران، تولید و به‌روزرسانی فهرست ابهام‌ها با بهره‌مندی از روش‌های ماشینی در مرکز توجه قرار می‌گیرد. با به‌کارگیری این فرآیند و حرکت در زمان حال و آینده، متون متقن و مستند حاصل می‌شود.

۱. روش‌های ماشینی به مواردی اطلاق می‌شود که به منظور تحلیل متون و کشف ارتباط بین مفاهیم، از تکنیک‌های متن‌کاوی، داده‌کاوی و یادگیری ماشینی در حوزه فناوری اطلاعات بهره می‌برد. در حال حاضر توانایی رایانه‌ها و تکنیک‌های مذکور حتی به تشخیص و تحلیل احساسات از متن هم گسترش پیدا کرده و کارایی آن با سرعت در حال پیشرفت و بهبود است (قهرمانی، ۱۳۹۶: ۴۵).

۲. استفاده مکرر از مراحل چرخه دِمینگ، بر پایه طرح‌ریزی اولیه، اقدام براساس دستورالعمل‌های مشخص و بهبودیافته، کنترل نتایج حاصله و مشخص کردن اقدام اصلاحی یا پیشگیرانه برای طرح‌ریزی مجدد و مطابقت با استانداردهای مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۱؛ به‌خودی‌خود موجبات بهبود مستمر را فراهم می‌آورد (آگوايو، ۱۳۹۸: ۲۵).

التون، جی. آر (۱۳۸۶). شیوه تاریخ‌نگاری. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.

بیهقی، علی بن زید (۱۳۹۶). تاریخ بیهقی. تهران: اساطیر.

حضرتی، حسن (۱۳۹۰). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی با تأکید بر اصول و قواعد رساله‌نویسی.

تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

خزائی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی. اصفهان: علم‌آفرین.

خلیلی، نسیم (۱۳۸۷). نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری. در مصاحبه در تاریخ شفاهی. مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی. تهران: انتشارات سوره مهر.

رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۷). داده‌های حاصل از مصاحبه، تاریخ یا تاریخ‌نگاری. در مصاحبه در تاریخ شفاهی، مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی. تهران: انتشارات سوره مهر.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۲). تاریخ بلعمی، مقدمه و حواشی به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: دنیای کتاب.

قهرمانی، عاطفه (۱۳۹۶). استخراج کلمات کلیدی با استفاده از تکنیک‌های متن‌کاوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان. دانشکده فنی و مهندسی.

کاموس، مهدی (۱۳۸۷). مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی. در مصاحبه در تاریخ شفاهی، مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی. تهران: انتشارات سوره مهر.

گلن، جروم کلیتون (۱۳۹۳). دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی. مترجمان مرضیه کیقبادی. فرخنده ملکی‌فر. جلد اول. تهران: نیسا.

گیدلی، جنیفر ام (۱۳۹۶). آینده. یک معرفی بسیار کوتاه. ترجمه ابوذر سیفی گلستان. تهران: فرهیختگان دانشگاه.

لومیس، ترور (۱۳۸۵). تاریخ شفاهی. ترجمه کامران عاروان. نامه تاریخ‌پژوهان، دوره ۲، ش ۶، صص ۷۸-۸۰. مکالا، سی. بین (۱۳۸۷). بنیادهای علم تاریخ. چیستی

آینده‌پژوهانه در اعتبارسنجی (آزمون فرضیه) داده‌های تاریخی از روزن مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، به کارگیری روش ده‌مرحله‌ای زیر، رویکرد نوینی را در انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی پدید می‌آورد:

۱. مشخص کردن موضوع یا رویداد یا به عبارتی طرح تاریخ شفاهی؛

۲. جست‌وجوی اطلاعات (دستی و ماشینی) مرتبط با موضوع یا رویداد از جمله واژه‌ها، افراد، مکان‌ها و زمان‌ها؛

۳. دسته‌بندی و ساماندهی اطلاعات یافت‌شده؛

۴. ویرایش و تکمیل محتوای دسته‌بندی‌شده؛

۵. استخراج ماشینی داده‌ها با بهره‌مندی از تکنیک‌های متن‌کاوی؛

۶. بازنمایی خودکار انواع روابط ممکن براساس مستندات و محتوای موجود؛

۷. بازسازی روابط ممکن و تعیین فهرست پرسش‌ها از ابهام‌های موجود در محتوا و داده‌های کشف‌شده؛

۸. به اشتراک‌گذاری پرسش‌ها و ابهام‌ها به منظور تولید پاسخ‌های احتمالی و انتخاب مستدل‌ترین فرضیه‌ها؛

۹. تکرار مراحل چهار تا هشت؛

۱۰. بازخورد و بهبود سناریوها و بهینه‌کردن روش‌های داده‌کاوی.

کتابنامه

آگواپو، رافائل (۱۳۹۸). آموزه‌های دکتر دیمینگ: کسی که کیفیت را به ژاپنی‌ها آموخت. ترجمه میترا تیموری. تهران: ناب‌اندیشان.

ابن‌اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶). الکامل فی التاریخ. ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.

احمدی بختیار، مهدی (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی در تاریخ. بازیابی شده در ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱، از:

<http://www.sid.ir/fa/seminar>

استغورد، مایکل (۱۳۸۴). درآمدی بر تاریخ‌پژوهی.

ترجمه مسعود صادقی. تهران: دانشگاه امام صادق و سمت.

افضلی، علیرضا (۱۳۹۸). درآمدی بر تعامل تاریخ و آینده‌پژوهی. تهران: پژوهشگاه عالی دفاع مقدس.

Shopes, Linda (2001). *What is Oral History*. Accessed in <http://historyma-ters.gmu.edu>
Transformation Oral History: past, present and future (2018). Retrieved from: oralhistory.columbian.edu

و اعتبار شناخت تاریخی. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نی.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۹). چشم‌اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ‌نگاری شفاهی. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دوره ۲۰، ش ۵، صص ۱۳۰-۱۴۵.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۷). نقد و تحلیل داده‌های مصاحبه. در *مصاحبه در تاریخ شفاهی*. مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزش تاریخ شفاهی. تهران: انتشارات سوره مهر.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۸). نقدی بر کتاب تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به روایت بی بی سی. *فصلنامه متین*. سال اول، ش ۲، صص ۲۸۰-۲۸۲.

نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۴). *تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

نورایی، مرتضی (۱۳۸۱). تاریخ و آینده اسناد. *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۲۴، صص ۲۰-۳۳.

نورایی، مرتضی (۱۳۸۵). درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی. *فصلنامه گنجینه اسناد*، دوره ۱۶، ش ۴، صص ۱۶۳-۱۴۷.

همیلتون، گری جی و ژندال، کولینز (۱۳۸۵). *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاجری. تهران: کویر.

Adams, w.P (1999). The historian as translator. An introduction. *The journal of American History*, N.85: 120- 129.

Becker, c.l (1932). *The Heavenly city of the eighteenth- century philosfers*. New Haven- yale university press.

Collingwood, R. G (1946). *The Idea of History*. London: oxford university press.

Held, Dawid (1980). *Introduction to critical Theory: Horkheimer to Habermas*. London: Hutchinson.

Nevins, Allen (1996). Oral history how and why it was born. *Oral history an interdisciplinary anthology*, N 15: 87- 88.

Ryan, Alan (1965). Locke and the dictatorship of the bourgeoisie. *Political studies*, N.13: 220- 224.